

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترق

روزنامه

سه‌شنبه ۶ مرداد ۱۴۰۵ • **۱۳ صفر ۱۴۴۸** • **۲۸ جولای ۲۰۲۶** • **سال بیست‌ودوم** • **شماره ۸۰۵۴۳۸ صفحه**
اذان ظهر-تهران ۱۲:۱۱ • **اذان مغرب ۱۹:۲۲** • **اذان صبح فردا ۳:۳۲** • **طلوع آفتاب ۵:۱۰**

www.sharghdaily.com

apararat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

یادداشت

رکود بخش کشاورزی

در راه‌بندان بازار مصرف

عبدالحسین طوطیایی

بژوهشگر کشاورزی

به موجب قانون انتزاع (مجلس-نهم-۱۳۹۱)،

وظایف وزارت بازرگانی در تنظیم بازار مصرف و نیز برنامه‌ریزی صادرات و واردات محصولات و نهاده‌ها به وزارت جهاد کشاوری واگذار شد. تا قبل از تصویب این قانون، همواره در مناسبات بین این دو دستگاه اجرایی، ناهماهنگی‌هایی درباره واردات ناپهنگام و بعضا بیش از نیاز رخ داده و چه‌بسا به کاهش انگیزه تولید محصولات اساسی داخلی و درآمد کشاورزان منجر می‌شد. انتظار این بود که پس از اجرائی‌شدن قانون انتزاع، متولی بخش کشاورزی، واردات کالاهای اساسی مورد نیاز کشور را با هدف حفظ و حمایت تولیدکنندگان و توسعه پایدار برنامه‌ریزی کند. متأسفانه موارد ناخوشایندی ازجمله آنچه در ایام دولت سیزدهم و مدیریت آقای ساداتی‌نژاد در بخش کشاورزی اتفاق افتاد و رویکرد روزافزون از تولید به سمت واردات، ناکارآمدی قانون انتزاع را نشان داد. با توجه به ظرفیت‌های منابع آب و خاک و… و نیز ساختار کم‌تحرك دستگاه متولی، در حال حاضر تولید سالانه محصولات کشاورزی فقط پاسخ‌گوی حدود ۶۰ درصد نیاز داخلی است. از طرفی وظایف حاکمیتی وزارت متولی کشاورزی نیز براساس توسعه پایدار این بخش و افزایش مزیت نسبی برای کشاورزان تدوین شده است. اما قانون انتزاع و بدون در نظر گرفتن اثرات کاهنده بر ظرفیت‌های بالقوه تولیدی، مسئولیت تنظیم بازار و پاسخ‌گویی فوریته نهاده‌ها به‌رغمه وزارت جهاد کشاورزی نهاده است. بازتاب چنین واگذاری بی‌توجهیی در پیام‌های عمومی و مکرر وزیر جهاد کشاورزی مبنی بر تأمین محصولات اساسی مورد نیاز مشاهده می‌شود. با توجه به روند کند فرایندهای تولید و از آن سو زمان اندک و نیازهای فوریتهی برای واردات جایگزین، چنین تائیکدات ظاهرا آرام‌بخشی عملا رویاروی روند تولید محصولات داخلی قرار می‌گیرد. متولی کشاورزی بایستی با تمرکز خود بر توسعه پایدار، ناکارآمدی‌های تولید داخلی را ورای تنظیم بازار مصرف پنهان نکرده و بپذیرد نقش این وزارت فقط در محدوده سهم تولید داخلی در امنیت غذایی است. در شرایطی که فرسایش خاک و تغییر کاربری‌های هبستریک، به‌ویژه در خطه شمال می‌رود که از تاک و تاک‌نشان اثری نباشد، امیدواریم دولت محترم با استقرار مجدد تنظیم بازار در وزارت بازرگانی، این مجال را برای متخصصان ارزنده بخش کشاورزی و با نگاه ملی فراهم آورد تا نقش این بخش را در امنیت و حکمرانی غذایی ارتقا دهند. بدون تردید در این بازنگری از کارنامه نه‌چندان مثبت قانون انتزاع، متولی کشاورزی کشور کماکان بایستی در کنترل واردات کالاهای اساسی و راهبردی نظارت کلیدی داشته و بسا‌و کنیم مشکل اصلی در این مورد وجود حلقه‌های رانتی نفوذ هستند. حلقه‌هایی که دیروز در وزارت بازرگانی و اکنون زنگ وزارت جهاد کشاورزی را به صدا درمی‌آورند. زنگی که درِ خانه تولید را برای همیشه خواهد بست.

هنر خوانی

۳۰ هنرمند برای غزه

در حالی که صدها دانشجوی غزه با وجود دریافت پذیرش از دانشگاه‌های معتبر بریتانیا، به دلیل نداشتن منابع مالی امکان ادامه تحصیل ندارند، بیش از ۲۰ چهره سرشناس دبلی سینما، تلویزیون و ورزش با به حراج گذاشتن وسایل شخصی خود، برای تأمین هزینه تحصیل این دانشجویان وارد میدان شده‌اند.

به گزارش ویرایتی، نیکولا کافلن، ستاره سریال «برجرتون» و پاپا اسیدو، بازیگر مجموعه «هری پاتر»، ازجمله بیش از ۲۰ چهره شناخته‌شده‌ای هستند که با به حراج گذاشتن وسایل شخصی و ارزشمند خود، برای کمک مالی به دانشجویان غزه اقدام کرده‌اند.

ایین حراج آثاری از چهره‌هایی همچون برابان کاکس، گری لینه‌کر، پالوما فیت، مکسین بیک، جولیت استونسون، شارلوت چرچ، هریت والتر، ونسا ردگریو و جنت سوزمن را نیز شامل می‌شود.

برگزاری این حراج ۱۰ روزه پس از آن در دستور کار قرار گرفت که دولت بریتانیا اعلام کرد به دانشجویان غزه کمک خواهد کرد برای تحصیل در بریتانیا سفر کنند؛ با این حال، این دانشجویان باید بورسیه‌های تحصیلی کاملا تأمین‌شده داشته باشند.

هر بحران، گذشته از خسارت‌هایی که برجای می‌گذارد، یک اثر مهم دیگر هم دارد؛ چیزهایی را که سال‌ها بدیهی می‌پنداشتیم، دوباره به مسئله تبدیل می‌کند. در روزهای عادی، کمتر کسی از خود می‌پرسد چرا به مدرسه نیاز داریم، همان‌گونه که کمتر درباره ضرورت خانواده، بیمارستان یا دادگاه می‌اندیشد. این نهاده‌ها تا زمانی که کار می‌کنند، بخشی از نظم طبیعی زندگی به‌نظر می‌رسند، اما کافی است جنگی آغاز شود، همگبری فراگیری رخ دهد یا فناوری شیوه‌ها زیستن را دگرگون کند؛ آن‌گاه ناگهان از خود می‌پرسیم این نهاده‌ها دقیقا چه کاری انجام می‌دهند که نبودشان چنین احساس می‌شود. شایعات اخیر درباره احتمال آغاز سال تحصیلی به صورت مجازی، هرچند از سوی وزیر و دیگر مسئولان آموزش‌وپرورش رد شده، از همین منظر قابل تأمل است. فارغ از اینکه این شایعات تا چه اندازه با واقعیت انطباق دارد، واکنش خانواده‌ها نشان داد مدرسه هنوز برای جامعه ایرانی اهمیتی فراتر از محل تدریس کتاب‌های درسی دارد. بسیاری از والدین، حتی آنان که از کیفیت آموزش، شیوه‌های ارزش‌یابی یا فشارهای تحصیلی مدارس انتقاد دارند، از احتمال تداوم آموزش مجازی نگران شدند. این نگرانی فقط به‌دلیل افت یادگیری نیست، بلکه نشانه آن است که مدرسه، با همه کاستی‌هایش، کارکردهایی دارد که معمولا تا هنگام غیبتش دیده نمی‌شوند. بحث آموزش مجازی در ایران هنوز بیش از هر چیز به کیفیت آموزش محدود می‌رسد، اینکه آیا دانش‌آموزان بهتر یاد می‌گیرند یا نه، افت تحصیلی چقدر خواهد بود و معلمان چگونه باید تدریس کنند. این پرسش‌ها مهم‌اند، اما همه مسئله نیستند. اگر مدرسه فقط نهادی برای انتقال اطلاعات بود، امروز با وجود اینترنت، کلاس‌های برخط، منابع آموزشی آزاد و هوش مصنوعی، مشکلی احساس نمی‌شد. در حالی که تجربه همگبری کرونا نشان داد حتی زمانی که آموزش برخط به‌طور نسبی ادامه پیدا می‌کرد، احساس فقدان مدرسه همچنان باقی می‌ماند. شاید علت آن باشد که ما مدرسه را به بیش از اندازه با آموزش یکی گرفته‌ایم. آموزش فقط یکی از کارکردهای مدرسه است. مدرسه در عین حال یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی‌شدن است؛ جایی که کودک



روانشناس

برای نخستین‌بار به‌طور روزمره با جهانی فراتر از خانواده روبه‌رو می‌شود. او می‌آموزد با کسانی همکاری کند که انتخابشان نکرده است، قواعدی را بپذیرد که خود وضع نکرده، اختلاف نظر را تجربه کند، شکست بخورد، دوباره تلاش کند و دریابد جهان همیشه مطابق میل او پیش نمی‌رود. از منظر روان‌شناسی تحولی، این تجربه‌ها حاشیه آموزش نیستند؛ بخشی از خود رشد هستند. بسیاری از توانایی‌هایی که بعدها با عنوان تنظیم هیجان، تحمل ناکامی، مسئولیت‌پذیری، همدلی و مهارت‌های اجتماعی از آنها یاد می‌کنیم، فقط با آموزش نظری شکل نمی‌گیرند. این ظرفیت‌ها در متن زندگی با دیگران و تجربه مکرر تعامل اجتماعی رشد می‌کنند. مدرسه، اگر بتواند کارکرد تربیتی خود را ایفا کند، یکی از مهم‌ترین بسترهای این فرایند است. البته این سخن به‌معنای دفاع از وضع موجود نیست. شاید یکی از خطاهای رایج در این بحث، قراردادن آموزش حضوری و آموزش مجازی در برابر یکدیگر باشد؛ گویی یکی ذاتا مطلوب و دیگری ذاتا نامطلوب است. اما واقعیت پیچیده‌تر از این دوگانه است. آموزش حضوری در ایران نیز سال‌هاست با چالش‌های جدی روبه‌روست؛ از غلبه حافظه‌محوری و آزمون‌زدگی گرفته تا فرسایش انگیزه یادگیری، نابرابری آموزشی، فشار کنکور و کم‌رنگ‌بودن آموزش مهارت‌های زندگی. حضور فیزیکی دانش‌آموز در مدرسه به‌خودی‌خود تضمین‌کننده رشد روانی و اجتماعی نیست. مدرسه زمانی ارزشمند است که بتواند تجربه‌ای معنادر از زندگی جمعی فراهم آورد، نه صرفا مکانی برای حضور و غیاب و برگزاری

گزارش خوانی

هورالعظیم؛ تالابی که فراموش شده

بهنام‌اندیک

بژوهشگرهیدروپلیتیک

طرف‌های مختلف بر سر این هور؟ شاید به همین دلیل است که از محمد درویش خواسته می‌شود حتی اگر پاسخی برای روایت ارائه‌شده از سوی عراقی‌ها وجود دارد، طرح آن را به آینده موکول کند. این رویکرد در عمل خود را در کم‌رنگ‌بودن بخشی از روایت تاریخی مستند نشان می‌دهد. اگر در سوی ایرانی هور، فعالیت‌های نفتی طی دو دهه اخیر به تالاب آسیب‌رسانده است، در سوی عراقی نیز فعالیت‌های نفتی از دهه ۱۹۷۰ میلادی در میدان مجنون و بعدها در میدان‌های نفتی هویزه و حلفایه، آسیب‌هایی هم‌سنگ به بخش عراقی هور وارد کرده‌اند. همین الکو در پرداختن به مدیریت منابع آب در حوضه‌های آبریز کرخه و دجله به عنوان دو رودخانه تأمین‌کننده آب هور نیز دیده می‌شود. مستند اگرچه به نقش اقدامات وزارت نیروی ایران در سه دهه اخیر، از جمله ساخت سد کرخه با ظرفیتی نزدیک به شش میلیارد مترمکعب و سد سیمره با ظرفیتی بیش از سه میلیارد مترمکعب که در مجموع بیش از حجم آورد متوسط سالانه کرخه است اشاره‌ای دارد، اما از بند انحرافی سامرا و شبکه آبیاری پایین‌دست آن سخنی به میان نمی‌آورد؛ سازه‌ای که با ظرفیت انحراف بیش از نیمی از آب دجله، دریاچه مصنوعی رتزار را با نزدیک به ۸۰ میلیارد مترمکعب آب شیرین بر می‌کند؛ آبی که می‌توانست در حیات هور نقش ایفا کند. در حوزه کشاورزی نیز همین عدم توازن دیده می‌شود. مستند به‌درستی به توسعه کشاورزی در پایین‌دست سد کرخه و بالادست دجله در جنوب ترکیه می‌پردازد. اما درباره توسعه کشاورزی در عراق تا حد زیادی سکوت می‌کند. همچنین اگرچه دایک مرزی، جاده شهید باکری و ایجاد حوضچه‌های پنج‌نح در بخش ایرانی هور را از عوامل

۵

سال

ایلان ماسک که توسعه ربات انسان‌نمای اپتیموس را یکی از پروژه‌های کلیدی شرکت خود می‌داند، پیش‌بینی کرد در پنج سال آینده بین صد میلیون تا یک میلیارد ربات انسان‌نما در سراسر جهان مشغول به کار شوند و بخش بزرگی از مشاغلیدی را بر عهده بگیرند. او پیش‌تر گفته بود رشد سریع رباتیک می‌تواند ظرف پنج تا شش سال آینده اقتصاد جهانی را دو برابر کند؛ اما بانک جهانی پیش‌بینی کرده حدود ۴۰ درصد از مشاغل جهان تحت تأثیر این اتفاق قرار می‌گیرند.



قلعه الموت، یکی از شاخص‌ترین دزهای تاریخی ایران، با ثبت پرونده «قلعه الموت و استحکامات وابسته» در چهل‌وهشتمین اجلاس کمیته میراث جهانی یونسکو به عنوان سی‌امین اثر میراث فرهنگی ملموس ایران در فهرست میراث جهانی به ثبت رسید. این مجموعه که شامل قلعه الموت و شبکه‌ای از استحکامات تاریخی وابسته است، پس از بیش از دو دهه پژوهش، مستندسازی، حفاظت و مرمت، به فهرست میراث جهانی یونسکو راه یافت. عکس: امین رحمانی، ایرنا

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

apararat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

مدرسه در بحران

امتحان باشد. شاید به همین دلیل است که در سال‌های اخیر، در بسیاری از کشورها، گفت‌وگو درباره الگوهای جایگزین آموزش، از جمله آموزش خانگی، مدارس کوچک محلی یا شیوه‌های ترکیبی آموزش، گسترش یافته است. افزایش توجه به این الگوها الزاما به‌معنای ناکارآمدی کامل مدرسه نیست؛ بلکه نشان می‌دهد به‌داهت تاریخی این نهاد از میان رفته است. خانواده‌ها دیگر صرفا به‌دلیل قدمت مدرسه، کارکرد آن را بدیهی نمی‌دانند و انتظار دارند این نهاد دوباره ضرورت وجود خود را توضیح دهد. هانا آرنت در مقاله مشهور «بحران آموزش» که در کتاب میان گذشته و آینده منتشر شده است، از مسئولیت بزرگسالان در معرفی جهان به نسل تازه سخن می‌گوید. هرچند شرایط امروز با زمانه آرنت تفاوت‌های فراوانی دارد، اما پرسش او همچنان زنده است: چه نهادی قرار است کودکان را با جهان مشترک آشنا کند؟ این پرسش، امروز شاید مهم‌تر از بحث حضوری یا مجازی‌بودن کلاس‌ها باشد. شاید بتوان گفت آموزش‌های مجازی در دوران همه‌گیری کرونا و نیز شروع جنگ رمضان تا پایان سال تحصیلی، بیش از آنکه مدرسه را دچار بحران کرده باشد، بحران مدرسه را آشکار کرده است. این تجربه‌ها به ما یادآوری کرد ارزش مدرسه را نمی‌توان فقط با کیفیت تدریس یا نتایج آزمون‌ها سنجید. مدرسه اگر قرار است در آینده نیز نهادی ضروری باقی بماند، باید بتواند آن بخش از رسالت خود را احیا کند که هیچ فناوری یا به‌سادگی جایگزینش نیست؛ فراهم‌کردن فضایی برای رشد اجتماعی، شکل‌گیری مسئولیت، تجربه زیستن با دیگری و انتقال جهانی که هر نسل می‌خواهد آن را به نسل بعد بسپارد. شاید همراه امسال، همان‌طور که وزیر وعده داده، دوباره زنگ مدرسه در حیاط‌ها به صدا درآید و نگرانی‌های امروز برخی از والدین فروکش کند. اما پرسشی که این روزها پیش‌روی ما قرار گرفته، نباید با پایان این بحران فراموش شود. اگر روزی بتوان همه درس‌ها را بیرون از مدرسه آموخت، آیا هنوز می‌دانیم مدرسه دقیقا برای چه باید باقی بماند؟ پاسخ ما به این پرسش نه‌فقط آینده آموزش، بلکه کیفیت زندگی اجتماعی نسل‌های آینده را نیز رقم خواهد زد.

روان‌خوانی

سالمندی؛

فرسایش یاشکوفایی؟

فاطمه‌عسی‌زاده*

در فرهنگ عامه، سالمندی اغلب با تصویر «افت عملکرد» گره خورده است؛ اما علم روان‌شناسی سلامت و سایکونورواپمونولوژی (PNI) نگاه بسیار متفاوتی به این دوران دارد. آیا واقعا بدن انسان محکوم به فرسایش است یا می‌توان این روند را به شکلی متفاوت مدیریت کرد؟ در دنیای سلول‌ها، مفهومی وجود دارد به نام «التهاب‌پیری» (Inflammaging). این پدیده، التهاب مزمن و خفیفی است که با افزایش سن در بدن ایجاد می‌شود و در واقع پیوندی میان وضعیت روانی و سلامت فیزیکی است. خبر خوب این است که این التهاب فقط تابع گذر زمان نیست، بلکه به‌شدت تحت تأثیر وضعیت روانی و اجتماعی فرد قرار دارد. وقتی سالمندی در انزوای می‌ماند، بدن سیگنال‌های «خطر» دریافت می‌کند. در غیاب پیوندهای انسانی، سیستم ایمنی دچار تغییراتی می‌شود که التهاب را افزایش می‌دهد. اما درست در نقطه مقابل، زمانی که یک فرد سالمند احساس می‌کند عضوی مفید از یک جمع است، یا فعالیتی ذهنی و اجتماعی دارد، مغز سیگنال‌هایی صادر می‌کند که مستقیما «التهاب‌پیری» را مهار می‌کند. راهکار مقابله با این فرسایش، فراتر از مکمل‌های دارویی است. برای مدیریت سطح التهاب، بدن به «مشارکت» نیاز دارد. طی سال‌ها تجربه بالینی و پژوهشی، مشاهده شده است مراجعین سالمندی که با وجود بیماری‌های مزمن، فعالیت‌های اجتماعی و ذهنی دارند، از سطح ایمنی و پایداری جسمانی بسیار بالاتری برخوردارند. فعالیت‌هایی نظیر پیاده‌روی‌های گروهی، شرکت در گروه‌های یادگیری مهارت‌های جدید، فعالیت‌های داوطلبانه و حتی حفظ ارتباطات عمیق با نسل‌های جوان‌تر، می‌تواند به عنوان یک «داروی ضدالتهاب طبیعی» عمل کند. این فعالیت‌ها نه‌تنها ذهن را فعال نگه می‌دارند، بلکه با کاهش سطح استرس، فیزیولوژی بدن را برای مقابله با بیماری‌ها آماده می‌کنند. در دنیای مدرن، نیاز است از سالمندان به عنوان «کنجینه‌های زنده» یاد شود، نه «افراد نیازمند مراقبت». وقتی سالمند احساس می‌کند همچنان برای دنیای پیرامونش «معنا» خلق می‌کند، فیزیولوژی بدن او نیز به این حس ارزشمندی پاسخ مثبت می‌دهد. در نهایت، سالمندی زیاست؛ به شرط آنکه اجازه داده شود ذهن پویا، بدن را از درون موسازی کند. سالمندی، پایان فصل نیست، بلکه فصلی است که می‌توان در آن، عمیق‌تر از همیشه شکفا شد.

✽ **متخصص روان‌شناسی سلامت**

و پژوهشگر حوزه سایکونورواپمونولوژی

اقتصاد خوانی

در جاسک چه گذشت؟

جنگ‌ها همواره نخستین قربانی خود را در میان غیرنظامیان و مردمانی می‌گیرند که هیچ نقشی در میدان نبرد ندارند، آنچه در جریان حملات رمضان و حملات اخیر بر ناوگان صیادی شهرستان جاسک رخ داد، حمله‌ای مستقیم به سرمایه سال‌ها تلاش صیادانی بود که زرق خود را از دریا به دست می‌آورند و نقش مهمی در تأمین غذای کشور ایفا می‌کنند. این حملات، علاوه بر خسارت‌های مالی سنگین، هزاران نفر از صیادان، ملوانان و خانواده‌های آنان را با بیکاری و مشکلات معیشتی روبه‌رو کرده و آثار آن همچنان بر اقتصاد دریامحور شرق هرمزگان سایه افکنده است. طبق گزارش‌ی که مهر در این‌باره تهیه کرده است گزارش جنگ ۴۰روزه تعداد صد فرزند لنج صیادی این شهرستان که در اسکله مرکز شهر بندرجاسک پهلو گرفته بودند، مورد هدف موشک‌های آمریکایی-صهیونیستی قرار گرفتند و در یک روز تعداد زیادی از لنج‌های صیادی مردم جاسک از بین رفت. همچنین صیادی کوه مبارک در غرب شهرستان جاسک نیز طی جنگ مورد اصابت پرتابه‌های ارتش آمریکا قرار گرفت. دو مرکز تکثیر میگو نیز در سومین مرحله حملات مورد اصابت پرتابه‌ها قرار گرفتند که متأسفانه ساختمان‌های آنها آسیب دید و از چرخه فعالیت خارج شدند. مبلغ خسارت‌های برآوردشده درمجموع حدود سه هزار میلیارد تومان به شناورهای صیادی است که احتمال دارد این رقم بیش از این‌نیز باشد. این خسارت‌ها تبعات و فشارهای اقتصادی فراوانی برای خانواده‌ها و جامعه صیادی به همراه داشته است. لنج‌های آب‌های دور بین ۸۰ تا صد میلیارد تومان و لنج‌های ساحلی بین ۳۰ تا ۵۰ میلیارد تومان خسارت دیده‌اند.